



عبدالرزاق احمد سنهوری

فقه حکومت اسلامی

و تحول آن

ترجمه صباح زنگنه

www.ketab.ir



www.ketab.ir

سرشناسه: سنه‌پوری، عبدالرزاق احمد، ۱۸۹۵-۱۹۷۱ م. Sanhuri, Abd al-Razzaq Ahmad
عنوان و پدیدآور: فقه حکومت اسلامی و تحول آن/ عبدالرزاق احمد سنه‌پوری؛ ترجمه صیاح زنگنه
مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۳۳۴ ص.
یادداشت: کتاب حاضر با عنوان «نظریه‌ی دولت در فقه اهل سنت» توسط کتاب همگان و میزان
در سال ۱۳۸۹ منتشر شده است.
شابک: 978-964-185-382-4
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
عنوان قراردادی: فقه‌الخلافة و تطورها لتصبح عصبه امم شرقیه. فارسی
عنوان دیگر: نظریه‌ی دولت در فقه اهل سنت.
موضوع: اسلام و دولت؛ خلافت - تاریخ
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ۷۰۴۱ ف ۸۶ س / BP۲۲۳۱
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۲
شماره کتابخانه ملی: ۳۴۶۰۷۸۵

قیمت ۲۵۰۰۰ تومان



نشرینی

فقه حکومت اسلامی و تحول آن

عبدالرزاق احمد سنهوری

مترجم صباح زنگنه

چاپ اول تهران، ۱۳۹۳

تعداد ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی باختر

چاپ و صحافی طیف‌نگار

ناظر چاپ بهمن سراج

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۹۷۸ ۹۶۴ ۱۸۵ ۲۸۲ ۳

www.nashreny.com

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار مترجم و محقق فارسی
۱۳	معرفی کتاب فقه خلافت و تحول آن / عبدالرزاق سبهوری و فلسفه سیاسی
۲۳	مقدمه مؤلف
۲۷	فصل اول: اصول اساسی
۴۸	فصل دوم: تعریف حکومت اسلامی (خلافت)، خصوصیات و وجوب آن

کتاب اول راه‌های گزینش رئیس حکومت (خلیفه)

۷۳	باب اول: انتخاب به وسیله امت اسلامی
۷۴	فصل اول: شرایط الزامی انتخاب‌کنندگان و نامزدهای تصدی ریاست حکومت (خلافت)
۸۸	فصل دوم: نحوه برگزاری انتخاب
۱۰۰	باب دوم: استخلاف (انتخاب جانشین) یا انتخاب حاکم به وسیله حاکم قبلی
۱۰۳	فصل اول: شروط تعیین جانشین (استخلاف)
۱۰۷	فصل دوم: آثار و پیامدهای استخلاف

کتاب دوم سیر حکومت و صلاحیت آن (عمل خلیفه - ولی امر)

۱۱۷	باب اول: حوزه ولایت خلیفه از لحاظ مناطق و افراد
۱۱۸	فصل اول: دایره ولایت حکومت (خلیفه) از لحاظ سرزمین

- ۱۲۴..... فصل دوم: محدوده ولایت حکومت (خلیفه) از لحاظ اشخاص
- ۱۲۸..... باب دوم: اعمال ولایت حکومت
- ۱۲۹..... فصل اول: اختیارات سرپرستی حکومت (خلیفه)
- ۱۵۲..... فصل دوم: حدود ولایت حکومت (خلیفه)

کتاب سوم پایان ولایت حکومت

- ۱۶۹..... باب اول: علل و عوامل پایان خلافت، مربوط به شخص رئیس حکومت (خلیفه)
- ۱۷۰..... فصل اول: اسباب به پایان رسیدن خلافت بدون سقوط آن
- ۱۷۳..... فصل دوم: ساقط شدن ولایت (عزل)
- ۱۸۱..... باب دوم: عوامل پایان دهنده نظام (نظریه حکومت یا خلافت ناقصه)
- ۱۸۶..... فصل اول: ضرورت‌هایی که خلافت ناقصه را تحمیل می‌کنند و به خلافت صحیحه خاتمه می‌دهند
- ۲۰۱..... فصل دوم: روند خلافت ناقصه و پایان آن
- ۲۱۵..... مقدمه و شرح بر جزء دوم: مراحل گذشته، حال و آینده از دیدگاه سنه‌وری (مترجم عربی)
- ۲۱۹..... جزء دوم: تحول خلافت، «نظام خلافت در اجرا»
- ۲۴۷..... شرح: اصل «استقلال شریعت» و حاکمیت آن و استقلال قوا از دیدگاه سنه‌وری
- ۲۵۳..... جزء سوم: خاتمه / آینده
- ۲۵۵..... باب اول: دیدگاه‌های مختلف درباره آینده
- ۲۵۸..... فصل اول: گرایش‌های افراطی
- ۲۶۵..... فصل دوم: گرایش‌های میانه‌رو و اصلاحی
- ۲۷۷..... باب دوم: محورهای کلی برای برنامه آینده
- ۲۷۸..... فصل اول: خلاصه نتایج نهایی پژوهش
- ۲۸۱..... فصل دوم: اجرای دستاوردهای گذشته در آینده
- شرح و ارزیابی طرح اعاده خلافت در نگاه سنه‌وری و روندی که منتهی به تأسیس سازمان کنفرانس اسلامی گردید..... ۳۰۶
- منابع و مآخذ..... ۳۲۵

پیش‌گفتار مترجم و محقق فارسی

در سال ۱۳۷۳ هـ ش، کتاب *فقه الخلافة و تطورها*، از سوی آقای دکتر توفیق الشاوی، همسر خانم دکتر نادیه سنهوری، به اینجانب اهدا گردید. این کتاب، رساله دکترای «حقوق سیاسی» مرحوم دکتر عبدالرزاق سنهوری است که به دانشگاه «لیون» فرانسه ارائه کرده و تا سال ۱۳۷۱ هـ ش به عربی ترجمه نشده بود.

سنهوری، که در میان حقوقدانان عرب، به‌عنوان «پدر حقوقدانان و قوانین کشورهای عربی» شناخته می‌شود، متولد شهر اسکندریه در سال ۱۸۹۵ م است. او پس از طی مرحله تحصیل سستی در مکتب‌خانه وارد مدرسه جمعیت خیریه اسلامی شد. از آن‌جا به دبیرستان دولتی محرم‌بک و سپس به دانشکده حقوق قاهره رفت. سنهوری در سال ۱۹۲۰ م، مدرس مدرسه قضا شرعی شد.

علامه محمد ابوزهره، نویسنده معروف کتاب‌های *تاریخ المذاهب الاسلامیه و علم اصول الفقه*، در این مدرسه، شاگرد سنهوری بود. سنهوری در سال ۱۹۲۱ م، به فرانسه اعزام شد. در دانشگاه لیون حقوق خواند و طی پنج سال دو رساله دکترای خود را به این دانشگاه ارائه کرد. نخستین رساله او در سال ۱۹۲۵ م با عنوان *قیدهای قراردادی بر آزادی کار در نظام قضایی انگلستان* بوده که در فرانسه به‌صورت یک بحث استثنایی تلقی شده است.

او در سال ۱۹۲۶ م رساله دوم خود را با عنوان *فقه الخلافة و تطورها لتصحیح عصبه أمم شرقیه* تدوین و ارائه نمود.

در سال ۱۹۲۶ م، سنهوری به تدریس «قانون مدنی» در دانشکده حقوق دانشگاه قاهره پرداخت. در سال ۱۹۲۷ م ازدواج کرد. در دوران تدریس در دانشکده حقوق، به تألیف کتاب‌ها و تدریس موضوعات

مهمی مانند: عقد اجاره، نظریه عقود و مقدمه قانون پرداخت. در سال ۱۹۳۴م ریاست هیأت حقوقدانان مصری در اجلاس بین‌المللی قانون تطبیقی در لاهه را به‌عهده گرفت.

در سال ۱۹۳۴م «جمعیت جوانان مصری» را تأسیس و اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و حقوقی خود را از طریق آن جمعیت دنبال کرد. توفیق‌الحکیم، نویسنده مشهور مصری، نقل می‌کند که «حکومت وقت به‌دلیل فعالیت سیاسی و اجتماعی سنهوری با مصوبه هیأت دولت سنهوری را از دانشگاه اخراج کرد»^۱.

با تغییر حکومت در مصر، او به دانشگاه برگشت. دولت عراق، از سنهوری برای ریاست دانشکده حقوق بغداد دعوت کرد. او در ماه دسامبر سال ۱۹۳۴م وارد بغداد شد و برنامه‌های دانشکده حقوق بغداد را به‌طور کامل اصلاح کرد و تغییر داد.

وزیر دادگستری عراق در آن دوران، رشید عالی گیلانی، از سنهوری برای تدوین قانون مدنی عراق دعوت کرد. اما در سال ۱۹۳۷م. تولد تنها فرزند و بیماری مادرش او را از ادامه کار منصرف کرد. در همین سال، دانشگاه قاهره از او جهت ریاست دانشکده حقوق دعوت نمود. اما مجدداً اختلاف‌های سیاسی دولتمردان مانع از پذیرش این پیشنهاد از سوی سنهوری شد.

در سال ۱۹۳۸م دولت مصر از او دعوت کرد تا به تنقیح قانون مدنی مصر بپردازد. سنهوری پذیرش این پیشنهاد را تنها به این شرط پذیرفت که او و استاد فرانسوی‌اش، لامبیر، آن را برعهده گیرند و ارزیابی کار به کمیته‌ای از استادان حقوق و قضات عالی‌رتبه واگذار شود. قانون مدنی مصر سرانجام در سال ۱۹۴۸م. به تصویب پارلمان مصر رسید.

در سال‌های ۱۹۳۸-۱۹۴۲م سنهوری قائم‌مقام وزیر معارف مصر شد، اما دولت بعدی او را بازنشسته کرد و سنهوری از آن پس به وکالت پرداخت. حکومت عراق مجدداً از او برای تدوین قانونی مدنی عراق دعوت کرد. اما دولت جدید مصر با تهدید به قطع روابط مصر از دولت عراق خواست تا سنهوری را اخراج کند. در این شرایط دولت سوریه از سنهوری دعوت کرد تا همین مسئولیت را در سوریه عهده‌دار گردد، و در عین حال قانون مدنی عراق را نیز تکمیل کند. علی‌رغم تهدیدهای دولت مصر سنهوری در سوریه به کار خود ادامه داد.

سنهوری در سال ۱۹۴۴م وزیر معارف دولت مصر شد و پس از برکناری دولت مصر در سال ۱۹۴۶م. به‌مدت چند ماه به سوریه رفت و تدوین قانون مدنی را تکمیل کرد.

در سال ۱۹۴۶م دیوان دولت (دیوان عدالت اداری) مصر تشکیل شد. سنهوری، دومین رئیس دیوان عدالت اداری مصر شد. در این دوره لایحه توسعه اختیارات و صلاحیت‌های دیوان را تدوین کرد و به تصویب رساند. در دوره ریاست سنهوری، دیوان عدالت اداری پناهگاه شهروندانی شد که

۱. توفیق‌الحکیم، حوده الوعی، القاهره، مکتبه مصر، ۱۹۸۸، صص ۳۴-۳۶.

از ظلم وزرا و دستگاه‌های دولتی به‌ستوه آمده بودند. در این دوران، مصونیت‌های گسترده دولت‌مردان محدود گردید و حقوق عامه مردم تأمین شد.

در سال ۱۹۵۲م و با پیروزی انقلاب افسران آزاد، سنه‌وری لایحه استعفاى ملك فاروق را نوشت، سپس قانون اصلاحات كشاورزى را تدوین و در کمیته تدوین قانون اساسی جدید، مشاركت كرد. افسران سنه‌وری را نامزد نخست‌وزیری كردند، اما اعتراض سفیر امریکا در قاهره با متهم ساختن او به تمایلات کمونیستی و سوسیالیستی مانع از نخست‌وزیری وی شد.^۱

البته این اتهام بی‌بایه و اساس بود، زیرا سنه‌وری پیش از آن کمونیسم را «بیماری خطرناک» و عكس‌العملی ناپسند در برابر سرمایه‌داری توصیف کرده بود. در واقع سفیر امریکا از وجود امضای سنه‌وری ذیل «پیام صلح جهانی» در مخالفت با تسلیحات اتمی ناراحت شده بود، حال آن‌که آن پیام را صدها میلیون نفر و از جمله اعضای اخوان‌المسلمین امضاء کرده بودند.

در سال ۱۹۵۴م اختلاف شدیدی میان سنه‌وری، در مقام رئیس دیوان عدالت اداری، و افسران آزاد به وجود آمد. علت اختلاف اعتقاد سنه‌وری و بسیاری از احزاب و شخصیت‌های مصری به ضرورت بازگشت نظامیان به یادگان‌ها و واگذاری امور سیاسی به افراد غیر نظامی بود. نظامیان حاکم، با راه انداختن تظاهراتی در مقابل دیوان عدالت اداری مصر، جلسه فوق‌العاده دیوان را عملاً تعطیل و هنگام خارج شدن سنه‌وری از دیوان به او حمله كردند و وی را مجروح ساختند. سپس عبدالناصر، اعضای جدیدی برای شورای دیوان عدالت اداری تعیین نمود و با صدور قانونی، همه افرادی را که در دوران پیش از ۱۹۵۲م مسئولیت وزارت را به عهده داشتند از حق فعالیت سیاسی و تصدی مناصب دولتی منع كرد.

در سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۶۱م سنه‌وری، تنها یک بار مجوز سفر به خارج را دریافت كرد و برای تدوین قانون اساسی به دعوت شخص امیر کویت به آن‌جا رفت.

در سال‌های بعد، سنه‌وری به تدوین کتاب‌های اساسی خود پرداخت و کتاب مصادرات الحق فی الفقه الاسلامی^۲ را تدوین نمود. سپس کتاب الوسیط فی شرح القانون المدنی^۳ را در ده جلد منتشر كرد. در سال ۱۹۷۰م عبدالناصر، به‌نوعی از او دلجویی كرد و بالاترین جایزه علوم اجتماعی را به وی اهدا نمود. سنه‌وری در سال ۱۹۷۱م بر اثر بیماری زندگی را بدرود گفت.

در مورد کتاب فقه خلافت و علت اقدام به ترجمه، تحقیق و انتشار آن، باید گفت که این کتاب از معدود کتاب‌های مرجع در فقه سیاسی و حقوق اساسی از دیدگاه اسلام محسوب می‌شود. امتیاز کتاب در این است که مؤلف دیدگاه‌های جدید در جهان اسلام و غرب را به‌خوبی شناخته و پاسخ‌های

۱. والآن اتكلم، خالد محی‌الدین، مؤسسة الاهرام، القاهرة، ۱۹۹۲ م، صص ۹-۱۸۷.

۲. منابع حق در فقه اسلامی

۳. میانه در شرح قانون مدنی

مناسبتی به آن‌ها داده است. دیگر آن‌که سنه‌وری همچنان از نظر فقهای بزرگ و استادان حقوق در جهان اسلام به‌عنوان پیشتاز و پدر معنوی حقوقدانان شناخته می‌شود و از احترام فوق‌العاده‌ای برخوردار است. به‌علاوه، سنه‌وری تلاش کرده است دیدگاه همه مذاهب اسلامی را بررسی و مشترکات استنباطی خود را به‌صورت بسیار علمی، منسجم و عملی عرضه کند. البته پایه و اساس مورد استناد وی فقه ائمه اهل سنت بوده و سایر مذاهب را به‌عنوان نظریه‌های گذرا و شاهد تلقی کرده است. اعتدال و انصاف سنه‌وری، که صفت ممتاز شخصیتی او است، در سراسر کتاب خودنمایی می‌کند.

امروزه هم پس از گذشت حدود نود سال از انتشار رساله سنه‌وری، کشورهای اسلامی به‌ویژه مصر و سایر کشورهایی که صحنه تحولات اجتماعی قرار گرفته‌اند، به‌طور جدی نیازمند تدوین قانون اساسی خود با حفظ اصالت ریشه‌های اسلامی آن و نیز بهره‌مندی از تجربه‌های سایر کشورها هستند. از این رو انتشار ترجمه فارسی، که با همکاری برادر ارجمند جناب آقای علامه نذیر احمد سلامی، عضو محترم مجلس خبرگان رهبری و از علمای بزرگوار اهل سنت انجام گرفته است می‌تواند بسیار به‌جا و به‌موقع باشد.

خوانندگان گرامی، از وجود اختلاف‌نظرها در نظریه‌های مورد استناد، به‌خوبی استحضار دارند. اینجانب در برخی موارد توضیحاتی را در پاورقی ارائه کرده‌ام، با این همه مدعی ارائه جامع نظریات اهل بیت (ع) در موضوع حکومت اسلامی نیستم.

عزالت شیعیان پس از امامت و امارت امام حسن مجتبی (ع) و کنار بودن‌شان از مناصب حکومتی، مگر به‌ندرت یا به اضطرار، مانند آن‌چه در مورد حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) اتفاق افتاد و خودداری فقها و علمای اعلام از پرداختن به مسائل امامت، مگر در کتاب‌های علم کلام، و نیز عدم دسترسی سنه‌وری به متون اصلی اندیشه امامیه، از دلایل اصلی این عدم جامعیت محسوب می‌شود. در مواردی که افزودن حاشیه‌های لازم بوده است، علامت مختصر مترجم فارسی (م.ف)، آورده شده است. اشارات سنه‌وری به مبنای و قواعد فقهی اندکی که از معتزله در موضوع امامت و حکومت، به‌جا مانده است و اظهار تأسف او از این حجم اندک و اختصار جلب توجه می‌کند و نشان می‌دهد که سنه‌وری حقوقدان اعتقاد داشته است که اگر معتزله، با توجه به مبنای عقلی مباحث فقهی، در آن‌ها بیش‌تر غور می‌کردند، می‌توانستند فقه سیاسی را غنی و پربار کنند.

سنه‌وری، در میان فقهای اهل حدیث و اشاعره، که به ظاهر نص و متون توجه دارند از یک طرف و اجتهادگران آزاد متن قرآن و حدیث از سویی دیگر، رویه حد وسط و اعتدال را برگزیده است و هر جا نتوانسته به متن سند شرعی در حل مسئله‌ای دسترسی پیدا کند، به‌نوعی «فقه مقاصدی» و «مصلح امت» پناه برده و راه‌حل مناسبی ارائه کرده است.

سنه‌وری، که مجذبه از روش اغلب فقهای اهل سنت پیشین تبعیت کرده است، به دوره خلفای راشدین و سیره عملی ایشان و نیز به عملکرد امام حسن مجتبی (ع) — که تلویحاً ایشان را خلیفه راشد پنجم دانسته‌اند — استناد کرده و قواعد فقهی لازم را استخراج و استنباط نموده است. روشن است

که در این روش، در موارد تعارض و تفاوت در رویه‌های خلفا به‌سختی می‌توان قواعد فقهی قابل اجماعی به دست آورد. شاید به همین جهت، وی تفاوت رویه‌ها را «تفاوت اجتهادی» تعبیر می‌کند و همه آن‌ها را قابل قبول و قابل تکرار در مسائل حکومتی می‌داند.

در مبحث «اجتهاد»، تفاوت در فهم و تعریف اصطلاح، لاجرم به نتایج مختلفی می‌انجامد. سعی شده است در حاشیه‌های مناسب، این تفاوت را توضیح دهیم. گرچه آن توضیحات، کفایت نمی‌کند، اما می‌تواند انگیزه‌ای برای گشودن دریچه‌های نو و شناختی بهتر و کامل‌تر ایجاد کند.

در بیان صفات حاکم، سنه‌وری با دقت و وسواس زیادی توانسته است مشترکات مذاهب مختلف را جمع‌آوری نماید. علم، شجاعت، عدالت (صغری و کبری)، حکمت، و طهارت مولد، و اولویت قریشی بودن (و بلکه در برخی مذاهب، هاشمی بودن) را به‌خوبی و مستدل بیان کرده است.

اما سنه‌وری حضور و ظهور و نظارت همیشگی «امت» را ضامن حکمرانی خوب می‌داند و حلقه آخر و الزامی در تدوین قانون و قواعد حکومت را «امکان عزل حاکم» دانسته است.

به‌زعم سنه‌وری، اعتقاد به وحدت امت اسلامی، حتی اگر در عمل دست‌نیافتنی باشد، ضرورتاً باید آرمان و هدف همه حاکمان کشورهای اسلامی باشد. او هر حکومتی را (در شرایط فعلی که آن را اضطراری و غیرطبیعی می‌شمارد) بدون داشتن سه ویژگی گرایش به وحدت، اجرای احکام شریعت و اعتقاد به جامعیت شریعت در امور دنیوی و دنیوی، «حکومت ناقص» یا «فاسد» می‌داند و حکومت «غلبه و فخر» را که با زور یا تزویر بر سر کار آید — همانند حکومت معاویه — حکومت «فاسد» می‌داند و حاکمی را که بدون پشتوانه مردمی و انتخاب بر سر کار آید، حاکم «ظالم» و «فاسد» می‌شمارد. حتی حکومت عمر بن عبدالعزیز که حائز شرایط علم و زهد و تقوا و حکمت دانسته شده است، از آن‌جا که از شرایط فراهم‌شده توسط مؤسسان سلسله اموی برخوردار بوده، به‌زعم سنه‌وری حکومت «ناقص» است. علی‌رغم این‌که حکومت عمر بن عبدالعزیز، کل جامعه اسلامی آن روز را تحت پوشش خود داشته و در اجرای احکام شریعت پیگیر بود و جامعیت شریعت را می‌پذیرفته است، اما آثار «غصب» حکومت توسط مؤسس سلسله اموی در حکومت عبدالعزیز نیز مداوم یافته است.

در بحث شورا، سنه‌وری، سطوح مختلفی در اجرای شورا در نظر می‌گیرد. البته جایگاه «شورا» در اساس چنین تعریف می‌شود که: «شورا» در امور دنیوی و اداره امور جامعه و سیاست، نقش ایفا می‌کند. به‌عبارت دیگر، آن‌جایی که «نص صریحی» وجود نداشته باشد، شورا می‌تواند عمل کند و راه‌حلی ارائه نماید. اما در مورد این‌که سازوکار این شورا و نحوه انتخاب و حد نصاب لازم برای تصمیم‌گیری چیست، در آرای سنه‌وری پاسخ روشنی نمی‌یابیم. شاید، تأسیس این اصل برای سنه‌وری، در حد آن‌چه در قانون اساسی باید ذکر شود، اهمیت داشته و جزئیات و مراحل آن را به «قوانین عادی» واگذار کرده باشد. البته داماد ایشان، مرحوم دکتر توفیق الشاوی، این مرحله را با تدوین و چاپ کتاب فقه الشوری تکمیل کرده است.

«استقلال قوا» از مباحث مهم در ساختار حکومت‌ها و قوانین اساسی کشورها محسوب می‌شود.

درجه این استقلال، نحوه هماهنگی، نظارت بر قوا، انتخاب رئیس هر قوه، عزل و تغییر آن‌ها، ثبات یا عدم ثبات در دوره‌های زمانی، صلاحیت هر یک از قوا در موضوعات مختلف و شرایط رؤسای قوا از نظر فقهی و قانونی، هر یک در مبحث مستقلی بیان شده است. پرسش‌هایی چون: جایگاه قوای سه‌گانه (مجریه، مقننه و قضائیه) در «حکومت‌های (خلافت) راشده و صحیحه و نیز در «حکومت‌های ناقص» کدام است؟ و در صورت تبدیل حکومت «صحیحه» به حکومت «ناقصه» یا «فاسد»، چه تغییراتی در قوای سه‌گانه باید صورت پذیرد؟ از سؤال‌های اساسی و جدی در بحث حقوقی و فقه سیاسی محسوب می‌شوند که سنه‌وری پاسخ‌های خود را به آن‌ها ارائه کرده است.

تردید نیست که بحث «حکومت اسلامی» و شکل آن (جمهوری، پادشاهی، مشروطه، مطلقه، خلافت، پارلمان، ریاستی و...) همچنان نیازمند بحث و بررسی‌های عمیق‌تری است. سنه‌وری گرایش خود را به شکل «جمهوری» و «انتخابات» و «پارلمان» و «شوراهای علمی و فقهی» نشان داده است و برای لفظ «خلافت» تقدیمی قائل نیست و حکومت اسلامی را به آن محدود نمی‌داند.

همچنان مباحث زیادی در علم «فقه» و «کلام» چون «اخلاق» و «حکومت» باقی است که نیاز به کنکاش و پژوهش عالمانه دارند. مانند درجه و تأثیر علم کلام بر شاکله حکومت و اعمال حکومتی، آینده این تأثیر و نوع تداخل، تعامل یا تعارض و تفاوت نقش فقه، کلام و فلسفه در ارائه طرح جامع حکومت اسلامی. هر یک از این موضوعات می‌تواند در شکل‌گیری و توسعه مفاهیم و مقررات حکومتی نقش بسزایی داشته باشد.

در مسائل مربوط به حکومت موارد مشابه بسیاری را می‌توان یافت که می‌توانند موضوع پژوهش نظری در کشورهای اسلامی قرار گیرند. بدیهی است که این پژوهش‌ها باید به‌منظور راه‌گشایی و پاسخ‌دهی به نیازهای اجتماعی یا رفع اشکالات گوناگونی باشد که در این خصوص در محافل علمی، سیاسی و اجتماعی مطرح می‌شود.

علاوه بر فهرست کتاب‌های مورد استفاده سنه‌وری، اعم از منابع و مراجع به زبان‌های عربی، انگلیسی و فرانسه، فهرستی از کتاب‌های دیگر ادبیات سلطانی و حکومتی در زمینه‌های علوم سیاسی و مباحث فقهی، ادبی و تاریخی، جهت استفاده بیش‌تر دانش‌پژوهان اندیشه سیاسی در ضمیمه کتاب گنجانده شده است.